



The evidence of the right to life of the fetus and the legal basis of its preservation according to the cultural changes of the society

Azadeh Abdi Abyaneh¹, Younes Vahed Yarijan^{2*}, Maryam Ibn Turab³

(Receipt: 2024.06.18- Acceptance: 2024.10.16)

Abstract

Abortion is one of the topics that is as old as the history of mankind, which is often considered as a reprehensible matter. But today, especially with the strengthening of freedom-oriented views and human rights, the occurrence of economic and social problems and such issues, the differences regarding abortion and its criminalization have gained a greater angle. In order to preserve the life of the fetus, which is compatible with the patterns of human and human rights in Islam, it can be planned under the title of cultural and social changes, the aim of the present research is. The present study has come to the conclusion that the sanctity of life, the right to life of the fetus as a human being and his choice and the priority of public interests over the group supporting the right to life of the fetus in Islamic jurisprudence and law. However, due to the emergence of new issues such as the ability to identify fetal anomalies and such, along with the little dynamics that the laws have experienced in the last decade or two, some exceptions can be made to preserve the life of the mother before four months and the opinion of experts. Therefore, although the first ruling in Imami jurisprudence is the sanctity of abortion in all stages of development; However, in case of necessity and conflicts such as preserving the life of the mother, the possibility of the death of the fetus and the mother in case of no abortion, and some fetal abnormalities, especially before the birth of the soul, secondary rulings are given priority. However, regarding how to determine the necessity and stages of authorized and therapeutic abortions, it seems that the Iranian legislator has been negligent and has limited himself to only some of the regulations and instructions that need to be revised. This research has been carried out using a descriptive-analytical method.

Key Wordsfetus, the right to life of the fetus, human rights, jurisprudence and Islamic law.

1. PhD student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: Azadeh.abdiabyaneh@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

*.Corresponding Author: vahedyarijantounes@gmail.com

3. Retired Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: ebnetorab@gmail.com



ادله حق حیات جنین و مبانی فقهی حفظ آن با توجه به تغییرات فرهنگی جامعه

آزاده عبدی ایبانه؛ یونس واحد یاریجان^۲، مریم ابن تراب^۳

(دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۹ - پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۷/۲۵)

چکیده

سقط جنین از جمله موضوعاتی است که قدمتی به طول تاریخ دارد که اغلب به عنوان امری مذموم تلقی شده است. اما امروزه، بویژه با تقویت دیدگاه های آزادی محور و حقوق بشری، بروز معضلات اقتصادی و اجتماعی، اختلافات در خصوص سقط جنین و جرم انگاری آن زاویه ی بیشتری پیدا کرده است. از جهت حفظ حیات جنین که سازگار با الگوهای حقوق بشری و انسانی در اسلام نیز می باشد، تحت عنوان تغییرات فرهنگی و اجتماعی، هدف پژوهش حاضر است. بررسی حاضر به این نتیجه رسیده که قداست حیات، حق حیات جنین به مثابه یک انسان و انتخاب وی و تقدم منافع عمومی بر جمعی حامی حق حیات جنین در فقه و حقوق اسلامی است. هرچند با توجه به پدیدارشدن مسائل مستحدثه از جمله توانایی شناسایی ناهنجاری های جنینی، در کنار پویایی کمی که قوانین در یکی دو دهه اخیر تجربه نموده اند، می توان برخی استثنائات را برای حفظ حیات مادر قبل از چهار ماهگی و نظر متخصصان جاری نمود. بنابراین اگرچه حکم اولی در فقه امامیه، حرمت سقط جنین در تمام مراحل رشد است؛ اما در صورت بروز ضرورت ها و تزامماتی نظیر حفظ جان مادر، احتمال تلف شدن جنین و مادر در صورت عدم سقط و برخی ناهنجاری های جنینی بویژه پیش از ولوج روح، احکام ثانویه مقدم داشته می شوند. با این حال در خصوص چگونگی احراز ضرورت و مراحل سقط های مجاز و درمانی به نظر می رسد قانونگذار ایرانی سهل انگاری نموده و تنها به پاره ای از مقررات و دستورالعمل ها اکتفا نموده که نیازمند بازنگری است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته است.

واژه های کلیدی: جنین، حق حیات جنین، حقوق بشر، فقه و حقوق اسلامی.

۱. دانشجوی دکترای گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Azadeh.abdiabyaneh@gmail.com

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: vahedyarijantounes@gmail.com

۳. استادیار بازنشسته گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ebnetorab@gmail.com

مقدمه

حق حیات به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر قلمداد می‌شود که مبنای برخورداری از سایر حقوق است. حقوق بین‌الملل بشر، حق حیات را از بدو تولد به رسمیت می‌شناسد و نهادهای بشری بین‌المللی و منطقه‌ای در رویه خود صراحتاً بیان می‌کنند که در مرحله اول، تمامی حمایت‌های پیش از زایمان باید با لحاظ کردن حقوق بشر زنان از جمله حق سلامت، حق بر بدن و حق حریم خصوصی آنان صورت پذیرد و توجه به حفظ حیات جنین پیش از تولد، در مرحله بعد قرار می‌گیرد. در دیدگاه ادیان گذشته مانند یهود و مسیحیت مطالب عدیده‌ای مبنی بر عدم جواز سقط جنین مشاهده می‌شود. در دیدگاه لیبرالیستی تا زمان تولد، جنین فردیت ندارد و وابسته است؛ به این معنا که به عنوان عضوی از مادر محسوب می‌شود. اما در دیدگاه اسلام، سقط جنین حرام و نامشروع می‌باشد. مستند این حرام بودن در آیه شریفه‌ای است که می‌فرماید: «هرکس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته است» و یا آیه دیگری که می‌فرماید: «و هرکس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است». بدین ترتیب در راستای قداست حیات بشری و لزوم به هلاکت نینداختن خود و دیگری، سقط جنین در آیین و حقوق اسلامی مذموم شمرده و به تبع آن در نظام حقوقی منبعث از آن نیز ساز و کارهای جرم‌انگاری لحاظ شده است.

پرداختن به بحث حق حیات جنین یک ضرورت پژوهشی و البته کاربردی و از جمله مسائل روز جامعه ایران است. به این دلیل که مطابق گزارش مقامات بهداشتی یا نمایندگان مجلس، سالیانه حدود ۵۰۰ هزار مورد سقط جنین در ایران انجام می‌شود که اغلب آنان نیز غیرقانونی است (خبرگزاری فارس: ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۱). بر این اساس بررسی حرمت سقط جنین و یا مشکلات اخلاقی، مذهبی، اجتماعی و پزشکی مرتبط با این بحثی مهم و درخور توجه است. به طوری که باید گفت هم اصحاب و جامعه پزشکی کشور، هم علمای دینی و اخلاقی و هم نهادهای قانونی و حقوقی می‌بایست تبیین لازم را در این زمینه داشته باشند، زیرا تداوم این رویه علاوه بر مشکلات ناشی از کاهش جمعیت، به روابط نامشروع و فرزندآوری نامشروع، نامشخص بودن سرپرست جنین و بروز مشکلات عدیده‌ای می‌شود که آسیب‌های اجتماعی قابل توجهی نیز در پی دارد. به علاوه اینکه تغییرات اجتماعی و فرهنگی نیز در راستای حمایت از حقوق زنان، کودکان بی سرپرست یا بدسرپرست و یا کاهش آسیب‌های اجتماعی رشد کرده است که خود نیازمند به روز شدن نگرش عامه مردم از یک طرف و ارائه راهکارهای مطلوب حقوقی و قانونی برای مقابله با این پدیده است. پیرامون حق حیات جنین و یا نگاهی که قوانین و فقه به این موضوع دارد، تحقیقات متعددی صورت گرفته است؛ از جمله حریری و شکرپیگی (۱۴۰۱)، در مقاله «بررسی فرایند سقط جنین در

حقوق ایران و فقه امامیه با شمایی در حقوق بین‌الملل» این نتیجه رسیده‌اند که محدودیت‌ها و سختگیری‌های قانونی نمی‌تواند منجر به کاهش سقط جنین شود، بلکه آنچه مهم است اینکه می‌بایست روش‌ها و راهکارهای فرهنگی در راستای ایجاد یک رویه بازدارنده را نیز مورد توجه قرار داد تا از این طریق بتوان آگاهی فرد و جامعه را در ارتباط با آسیب‌های اجتماعی ناشی از سقط جنین را بالا برد. در مقاله معینی فر (۱۳۹۸) با عنوان «تزام حق مادر با حق حیات جنین در نظام‌های حقوقی»، نظیر بسیاری از تحقیقات، تقدم حیات جنین یا مادر به بحث گذاشته شده و این نتیجه حاصل شده است که در رویکرد حقوقی اسلام، هم شرایط عمومی و هم شرایط استثنائی برای جلوگیری از التزام حقوق این دو گنجانده شده است. از جمله در حقوق کشورهای مختلف، حقوق جنین چندان مورد توجه نبوده است، اما در نگرش اسلامی چنین نیست و جنین دارای حق حیات است که باید از آن محافظت شود. نبوی‌زاده و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله «نقدی بر ماده واحده قانون سقط درمانی» به این نتیجه رسیدند که برخی قواعد فقهی نظیر قاعده نفی عسر و حرج شخصی است، نه نوعی.

از این رو نباید یک قاعده کلی و فراگیر برای سقط جنین در نظر گرفت و بر همگان حاکم نمود. یا در مقاله کوشا و سماواتی پیروز (۱۳۸۹) با عنوان «سقط جنین؛ ترجیح حیات مادر یا حیات جنین» به دوگانگی شکل گرفته در تقدم حیات مادر یا حیات جنین در شرایط خاص پرداخته است. بنابراین بحث حیات جنین میان دو حق بشری یعنی زندگی و حیات مادر و یا حیات جنین قرار دارد. نویسنده در نهایت نتیجه گرفته است که به منظور جرم‌انگاری سقط جنین، با نگاهی به قانون فرانسه می‌توان نسبت به تجزیه و تحلیل قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ در این زمینه پرداخت.

در مقاله راسخ (۱۳۸۲)، با عنوان «جدال حیات: بررسی اجمالی تئوری‌های سقط جنین» این نکته را بیان کرد که سقط جنین در میان موقعیت‌های جمعیتی، عاطفی و اقتصادی از یکسو و باورهای دینی و ارزشی از سوی دیگر نیازمند یک سیاست‌گذاری مناسب در جامعه انسانی و پویا است. هریک از موارد فوق به نحوی به بحث سقط جنین، موارد منع یا جواز آن یا مشکلات ناشی از پرداخته است، از این نیز پژوهش حاضر به دلیل طرح سقط جنین دارای همسویی‌هایی با این پژوهش‌ها است، اما دغدغه خاص پژوهش حاضر، بررسی ادله حق حیات جنین و مبانی حقوقی حفظ آن در پرتو تحولات فرهنگی و اجتماعی است. با در نظر داشتن اهمیت بحث سقط جنین و مباحث مرتبط با تغییرات اجتماعی و فرهنگی که بر آن اثرگذار است، پژوهش حاضر با طرح این سؤال که ادله حق حیات جنین و مبانی حقوقی آن با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی چیست؟ به بررسی ادله فقهی و سپس دلایل حقوقی مرتبط با آن در نظام حقوقی ایران می‌پردازد.

مبانی نظری؛ سقط جنین و انواع آن

سقط جنین پدیده‌ای است که از گذشته‌های بسیار دور و حتی در جوامع ابتدایی بشری واقع می‌شد و مختص جوامع امروزی نمی‌باشد. اما در عصر حاضر به یکی از معضلات اساسی جوامع و کشورها مبدل گشته است و ذهن اندیشمندان را به خود معطوف داشته است. مطالعات انسان‌شناسی بر روی قبایل آفریقایی حاکی از آن است که سقط جنین حتی در میان انسان‌های ماقبل تاریخ شایع بوده است. اگرچه روش‌هایی که برای اقدام به آن به کار می‌بردند در هر زمان متفاوت بوده است (هدایتی، ۱۳۹۶: ۱۰). به لحاظ تاریخی نیز در اولین قوانین مکتوب از جمله قانون حمورابی که حدود ۲۳۰۰ سال پیش از میلاد نوشته شده است، به سقط جنین اشاره شده و مجازات‌هایی برای آنها تعیین شده است. همچنین در مکتوبات به‌جا مانده از فرهنگ یونان باستان، روش‌های سقط جنین مطرح بوده است و این مطالب در آثار رسیده از سقراط، ارسطو و پلاتینوس و... دیده می‌شود. از دیگر تمدن‌های گذشته نیز رومیان هستند که سقط جنین را جرم تلقی می‌کرده‌اند و مجازات‌های سختی برای آن در نظر گرفته بودند. در سیر تاریخ و با ظهور تدریجی ادیان توحیدی، حفظ و حمایت از جنین امری لازم شمرده شده است.

ضمن اینکه اسلام در شبه جزیره عربستان، زمانی ظهور نمود که عرب‌ها در دوران تاریک جاهلیت به سر می‌بردند و کشتن فرزند را مذموم نمی‌دانستند. چنانچه فرزند دختر بود به دلیل برخی تعصبات غلط بعضاً دختر خود را زنده به گور می‌نمودند و حتی بعضاً پسرهای خود را که سرمایه به شمار می‌رفتند را نیز به دلایل مختلف از جمله ترس از فقر می‌کشتند. یکی از فقهاء در این باره می‌نویسد: «با نهایت تأسف این عمل جاهلی در زمان ما با شکل دیگری تکرار می‌شود، کودکان بی‌گناه در عالم جنینی از طریق کورتاژ به قتل می‌رسند و این نشان می‌دهد که عصر جاهلیت در زمان ما به گونه‌ای دیگر تکرار می‌شود و این جاهلیت قرن بیستم وحشتناک‌تر از جاهلیت قبل از اسلام است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ۳۴).

به هر حال، سقط جنین انواعی دارد که در فقه، حقوق ایران نیز برخی موارد آن بحث شده است. از جمله سقط جنین عادی یا طبیعی است که در توضیح آن باید گفت که در دوران بارداری، گاهی به علت برخی عوامل فیزیولوژیک و محیطی و تأثیری که این عوامل بر ارگان‌هایی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در بارداری نقشی ایفا می‌نمایند، سقط جنین رخ می‌دهد که به این نوع از سقط، سقط جنین طبیعی گفته می‌شود. زمینه بروز سقط جنین طبیعی عمدتاً ضعف جسمانی و اعصاب یا اختلال در عملکرد صحیح ارگان‌های بدن مادر است.

از عوامل زمینه‌ساز نقصان در صحت عملکرد سیستم باروری بانوان، می‌توان به عوامل بیماری‌زا همچون بیماری‌های عفونی، آلبومینوری، وجود ضایعات رحمی، مسمومیت‌های دارویی

(مسمومیت‌های حاصله از سرب، جیوه، فسفر و گاز کربنیک) که بواسطه تأثیراتی که در نامنظم کردن دوره قاعدگی زنان، ایجاد اختلال در عملکرد دستگاه تولید مثل آنان و مسائلی از این دست می‌گذارد، اشاره نمود. (جوادی، ۱۳۹۶، ۱۵). همچنین باید دانست که در سقط جنین طبیعی یا عادی، علاوه بر مسائلی که ذکر شد، علل موروثی، مرضی، هیجانات ناگهانی و علل ناشناخته دیگر نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد.

دوره بارداری بسیار حساس است و حتی پیشامدهای کوچک که باعث بروز هیجانات ناگهانی در مادر می‌شود؛ نظیر دیدن یک نزاع یا تصادف می‌تواند سلامت جنین را به مخاطره بیندازد. البته به طور مجزا هیجانات و هول و تکان از منظر پزشکی قابل طرح نیست؛ چرا که علم پزشکی معتقد است چنانچه زمینه سقط جنین وجود نداشته باشد، این چنین عوامل نمی‌تواند سبب سقط جنین شود. اما سقط جنین غیردرمانی بیانگر موارد دیگری از سقط مجاز در تعداد قابل توجهی از کشورهای جهان است، اما از آنها که حقوق ایران این موارد را جزو موارد مجاز سقط نپذیرفته است، آنها را تحت عنوان سقط غیردرمانی تقسیم‌بندی می‌کنیم که دلایل متعددی دارد. از جمله سقط جنین به دلیل مشکلات اقتصادی است؛ توضیح اینکه رشد ناموزون جمعیت در بسیاری از مسائل سیاسی و اقتصادی کلان کشورها تأثیرگذارند و شاخص‌های مدیریت جامعه نظیر دسترسی به امکانات جامعه را دچار مشکل می‌کند. یکی از راه‌های کنترل مشکلات ناشی از رشد نامتوازن جمعیت که از آن به انفجار جمعیت تعبیر می‌شود و جلوگیری از بروز معضلات اقتصادی ناشی از آن، موضوع سقط جنین است.

دیدگاه دیگری که مطرح شده است به این عبارت است که سقط جنین به مثابه سقط نفوس بوده و تحت هیچ شرایطی نمی‌توان حل و پیشگیری از مشکلات جامعه را به جواز سقط جنین پیوند داد و برای این مهم، باید به روش‌های دیگری تمسک نمود. از جمله این روش‌ها می‌توان به راه‌های فرهنگی جهت عدم گسترش نسل، استفاده از وسایل طبی جهت پیشگیری از انعقاد نطفه و همچنین توسعه و تلاش برای کشف امکانات جدید به منظور حل مشکلات اقتصادی اشاره نمود (شفیعی مازندرانی، ۱۳۸۱، ۴۳۸).

دیدگاه دوم، با عبارات قرآنی نیز همخوانی دارد؛ چنانکه خداوند فرموده است «و لا تقتلوا اولادکم خشیه الاملاک» (اسراء، ۳۱)؛ یعنی، فرزندان خود را به خاطر مشکلات مالی به قتل نرسانید. به علاوه آیه‌ی «لا تقتلوا انفسکم» (نساء، ۲۹)؛ خودتان را نکشید. که تعمیم آن، چنین است که نه تنها خودتان را نکشید بلکه دیگران را نیز به قتل نرسانید و این را می‌توان مطلق دانست؛ به این معنا که تفاوتی ندارد دیگران در رحم بوده و در مرحله جنینی قرار دارند یا متولد شده‌اند (همان، ۴۳۹).

بنابر آنچه ذکر شد، روشن است که دلیل گروه اول، برای صدور جواز سقط جنین به دلیل مشکلات اقتصادی، این است که ایشان ایراد مشکلات برای جامعه را همچون ایراد مشکلات و خطر جانی برای مادر می‌دانند؛ بنابراین می‌توان چنین برداشت نمود که خود این گروه از اندیشمندان، سقط جنین را جز در موارد غیردرمانی برای مادر و ایجاد مشکلات برای جامعه مجاز نمی‌دانند.

البته این دیدگاه از نظر علمای اسلام، مردود است و فقهاء، بواسطه ایجاد مشکلات و معضلات اجتماعی، سقط جنین را مجاز نمی‌دانند (بی‌آزار شیرازی، رساله نوین، ج ۱، ۱۸۲). در همین راستا، آیت الله مکارم شیرازی، نیز بر این باورند علیرغم این که پیش از ولوج روح در جنین، وی انسان کامل تلقی نمی‌گردد؛ اما تنها زمانی سقط وی مجاز خواهد بود که ضرورتی بوجود آید که از بین بردن آن ضرورت منحصر در سقط جنین باشد. بنابراین چنانچه کنترل موالید به یک ضرورت جدی هم تبدیل شود، با عنایت به اینکه تنها راه جلوگیری از افزایش جمعیت منحصر در سقط جنین نبوده و به سادگی با استفاده از روش‌های پیش‌گیری و فرهنگ‌سازی می‌توان آن ضرورت را مرتفع ساخت، چنین ضرورتی نمی‌تواند سقط جنین را مجاز نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹). در خصوص، مرحله پس از ولوج روح (قبل از چهار ماهگی) نیز، به طریق اولی ارزیابی ضرورتی که مجوز سقط جنین را ممکن می‌سازد با سخت‌گیری بیشتری مدنظر قرار گرفته و می‌توان گفت، معضلات و مشکلات انفجار جمعیتی با هر کیفیتی که باشد، نمی‌توان سقط جنین را مجاز نماید؛ چرا که مشکلات افزایش جمعیت نمی‌تواند قتل عمد را مشروع نماید (طیبی جبلی، ۱۳۸۲، ۳۷). از آنچه گفته شد، روشن می‌شود که در فقه امامیه، وضع اقتصادی خانواده‌ها هرچه باشد، ممکن نیست بتوان آن را ضرورتی برای سقط جنین بشمار آورد و چنانچه بر فرض، چنین مسئله‌ای ضروری هم تلقی می‌شود، از راه‌های عاقلانه‌تری می‌توان آن حال مرتفع نمود و در این خصوص گفته‌اند که منصفانه نیست گره این مشکل را با دست زدن به جنایت گشود (درخشان، ۱۳۹۲، ۱۹). بنابراین موضوع سقط جنین به نحوی است که حرمت آن هم از نظر فقهی و هم از حقوقی و اخلاقی چندان قابل دفاع نیست. البته در این زمینه نیز استثنائاتی وجود دارد که به لحاظ تخصصی بودن از مجال بحث حاضر خارج است و محور بحث حاضر ادله حق حیات جنین است.

یافته‌های پژوهش

بخش مهمی از تغییرات مرتبط با حق حیات جنین در حوزه اصلاح قوانین مبتنی بر باورهای اسلامی در ابتدای انقلاب و سپس در فرایند اصلاح مواد مختلفی از قوانین مورد توجه قرار گرفت. بنابراین کوشش قانونگذار بر این بوده تا بتواند همسو با باورهای مذهبی و حقوق اسلام، حق حیات جنین مورد عنایت قرار گیرد. زیرا این عقیده مسلم وجود دارد که قوانین اسلامی، مانع از تراحم حق حیات جنین و حق حیات مادر است و همواره از حقوق جنین برای ادامه حیات دفاع می‌کند (معینی‌فر،

۱۳۹۸: ۴۲۹). بنابراین تغییراتی که برای حق حیات جنین مدنظر است، همسویی با قواعد شرعی و حقوق اسلامی بوده و تلاش برای مهار رفتارهای نامطلوب در این عرصه مذموم است. به هر حال با در نظر داشتن این موارد، بخشی از مصادیق حق حیات یا آنچه می‌تواند با عنوان دلایل حق حیات جنین در نظر گرفته شود، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف: حق حیات از منظر سازوکارهای کیفری سقط جنین

در جوامعی مانند جامعه‌ی ما، بویژه با عنایت به فرهنگ و الگوهای حاکم که عمدتاً ریشه در اعتقاد به دین مبین اسلام دارد، مشروعیت جنین سقطی پذیرفته نبوده و البته عواقب ناخواسته‌ای در پی دارد. این رویه در نظام حقوقی ایران نیز که برآمده از شرع است، نوعی همسویی با اخلاق عمومی، حق حیات جنین به مثابه یک انسان و رعایت ملزومات زندگی وی بوده که گواه حق حیات جنین در نزد فقهای اسلامی است (علیزاده و غریبی، ۱۳۹۷: ۳۱۸). اما از سوی دیگر، بدون اعتنا به برخی ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها برای اطفال ناشی از زنا، نظیر محرومیت از ارث، فقدان نسب و ... این افراد محقون‌الدم تلقی شده و تولد و حیات ایشان محترم شمرده شده است و در صورت تحقق جنایت در حق ایشان حتی در مرحله جنینی، دیه پیش‌بینی شده است. در این راستا می‌توان پاسخ اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه به سوالی در خصوص قابل مجازات بودن سقط جنین ناشی از زنا همانند سقط جنین ناشی از حلال اشاره نمود. این پاسخ به شرح ذیل است؛ نظریه‌ی شماره ۲۱۷۱/۷ مورخ ۱۳۶۶/۶/۷ چنین اظهار کرده است: چون در جمهوری اسلامی ایران افراد متساوی‌الحقوق هستند و افراد متولد از زنا از حق حیات برخوردار می‌باشند، بنابراین جنین ناشی از زنا مانند جنین ناشی از حلال، حق حیات و تولد دارد و سقط او در حد جنین ناشی از حلال دارای کیفر مجازات می‌باشد (شهری و ستوده، ۱۳۷۳، ۷۰).

بنابراین می‌توان گفت که اقدام به سقط جنین نامشروع نیز حرمت و قبح شرعی و قانونی داشته و مبادرت به جنین سقطی، متوجه مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود.

به هر حال از منظر حق حیات، کوشش قانونگذار بر این بوده است که با جرم‌انگاری سقط جنین، بتواند از حق حیات جنین دفاع به عمل آورد. زیرا نگرش غالب در فقه امامیه آن است که حتی در زمانی که جنین حاصل روابط نامشروع است، حد زن برای عمل زناکاری به تأخیر انداخته شود تا جنین مورد حفاظت باشد (علیزاده و غریبی، ۱۳۹۷: ۳۲۲).

به هر حال در ارتباط با اثبات سقط جنین نیز شرایط قانونی خاصی لحاظ شده است؛ یعنی احراز سقط جنین جنایی که جرم تلقی می‌گردد، با تحقق شرایط خاصی انجام می‌پذیرد. طبیعتاً شرط اول احراز آن، باردار بودن زن می‌باشد و اقدام به آن شامل انجام عملیاتی است که منجر به سقط جنین

می‌شود. گفتنی است که معمولاً ارتکاب چنین جرمی، با تمسک و بکارگیری ابزار و لوازم خاصی صورت پذیرفته و یا با اعمال فیزیکی به قصد جنایت همراه است (جوادی، ۱۳۹۶، ۱۷). از جمله اعمال، ابزار، لوازم و داروهایی که در اسقاط جنین جنایی به کار برده می‌شود می‌توان به دستکاری رحم توسط مادر، مصرف یا خوراندن برخی داروها، ایراد ضرر عمدی به رحم، به کارگیری ابزار خاص سقط جنین توسط طبیب، ماما یا اشخاص غیرمجاز به منظور ایجاد خونریزی، سقط جنین و قطع حاملگی بدون مجوز قانونی، اشاره نمود (رزمن‌ساز، ۱۳۷۹، ۸۶). در این صورت سازوکارهای مطرح شده در ارتباط با سقط جنین، حسب ارتکاب هر یک از موارد یاد شده و یا تبعاتی که در پی دارند، قابل اعمال است و البته در فرایند قضایی مستلزم در نظر گرفتن عمدی یا سهوی بودن این عمل است.

ب: حق انتخاب جنین به عنوان یک انسان

ادله دیگری که در حمایت از حق حیات جنین مطرح شده است، تلقی جنین به مثابه یک انسان دارای حقوق برابر با سایر افراد جامعه است که خود دیدگاهی اخلاقی و به دلیل محوریت یافتن اخلاق در کاوش‌های خردورزانه است (موسوی رکنی و موسوی رکنی، ۱۳۹۳: ۸۱). از طرف دیگر در بحث تغییرات اجتماعی و فرهنگی، حقوق بشر نیز از اهمیت خاصی برخوردار است و همسو با رشد حقوق بشر در ابعاد مختلف، حق حیات جنین نیز مستلزم در نظر گرفتن ملاحظات انسانی و اخلاقی است. زیرا حیات بشری در یک نظم حقوقی نوین مبتنی بر برابری انسان‌ها و حق ذاتی برابری است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۴: ۲۹). بر مبنای همین رویکرد، طرفداران این نظریه، از لحظه انعقاد نطفه، جنین را انسان تلقی می‌کنند. بنابراین چنانچه جنین را یک شخص تلقی کنیم، ناچاریم حق حیات و آزادی در آن حق را برای وی در نظر بگیریم. طرفداران حق انتخاب جنین بر این باورند که حرمت این آزادی و حق انتخاب، ایجاب می‌کند که سقط جنین را تحریم نموده و آن را ممنوع بدانیم.

این گروه از اندیشمندان، سقط جنین را از حیث احترام به حق انتخاب، با وضعیت شخصی که در کماست قیاس کرده و معتقدند که همانگونه که شخص در کما، انسان محسوب شده و دارای تمام حقوق انسانی است اما بواسطه وضعیتی که در آن قرار دارد قادر به تصمیم‌گیری و ابراز آن تصمیم نیست، جنین نیز موجودی با ارزش انسانی و باید از تمام حقوق خویش برخوردار باشد. (محقق داماد، ۱۳۷۳، ۱۵۵).

بنابراین نباید به این استدلال که وی همانند سایر انسان‌ها از رحم زن خارج نشده است، حق حیات را از وی سلب نمود. بدین ترتیب، با انعقاد لقاح و استقرار نطفه، جنین سیر تکامل خویش را آغاز نموده و اگرچه در رحم مادر و وابسته به اوست، اما موجودی غیر از مادر به شمار می‌رود. ایشان

از این مسئله اینگونه استنباط کرده‌اند که صرف وابستگی جنین به مادر در دوران جنینی به معنی نفی موجودیت او نیست. با عنایت به استدلال‌ات ایشان، طرفداران این دیدگاه هر اقدامی را که با حق حیات جنین و آزادی انتخاب وی معارض قلمداد شود را تبعیض تلقی کرده و با آن مخالف هستند (همان، ۲۴۸).

از این منظر حق حیات جنین و انتخاب وی برای زیستن در آینده نباید تحت تأثیر ملاحظات فردی و پزشکی یا حتی آبرو و حیثیت افراد (در اعمال نامشروع نظیر زنا) قرار گیرد و قانونگذار نیز باید تا زمان متولد شدن کودک، مجازات مترتب بر اعمال نامشروع را به تعویق بیندازد.

ج: برابر بودن حق حیات و تقدس حیات

نظریه تقدس حیات عبارت است از ارزش و تقدس صرف حیات و زندگی. به عبارت دیگر، زندگی بمانند زندگی دارای ارزش بوده و مقدس به شمار می‌رود و حیات فی نفسه، محترم شمرده شده و نمی‌توان حکم به از بین بردن آن نمود.

بنابراین، بدون اعتنا به درجه حیات و احتمال مرگ و ...، حیات انسانی باید مورد حمایت واقع شود. طرفداران این دیدگاه بر این باورند که هیچ ارزشی ورای ارزش حیات انسانی وجود ندارد (راسخ، ۱۳۸۲، ۲۶).

در این رویکرد با تقدیس حیات بشری، جنین نیز از این حق برخوردار بوده که بدون اجبار یا تصمیم دیگری وارد حیات جدیدی شود و از این موهبت خداوندی برخوردار شود.

گروهی از مخالفان جواز سقط جنین، تقدس حیات را در استدلال‌ات خویش مبنا قرار داده و این گروه که عمدتاً طرفدار ادیان و از پزشکان هستند، بر این اعتقادند که حیات یک موهبت الهی به شمار رفته و از این جهت، سلب آن مجاز نمی‌باشد. این رویکرد همسو با آموزه‌های حقوق بشری جهانی است که حیات بشر را از زمان انعقاد نطفه قابل احترام دانسته است (Unicef. Convention on the Rights of the Child, 1989). به تبع همین رویکرد حقوق بشری بین‌المللی، قداست حیات امری مهم و ملاکی برای سنجش حقوق بشر در کشورهای مختلف است. بر این رویکرد جهانی نیز باید قداست حیات در آموزه‌های اسلامی را نیز مورد توجه قرار داد که همسو با تغییرات اجتماعی و فرهنگی نقش مهمی در حفاظت از حیات جنین ایفا می‌کند.

از دیگر اصول و ادله‌ای که این گروه بهره‌می‌برند می‌توان به برابر بودن حق زندگی میان اشخاص انسانی اشاره نمود. این اصل به اهمیت پذیرش این موضوع اشاره دارد که هر موجودی آن زمان که انسان تلقی شود، از ارزش یکسانی برای حیات نسبت به سایر انسان‌ها برخوردار است.

این گروه بر این عقیده‌اند که با انعقاد لقاح و استقرار نطفه در رحم، جنین دارای شخصیت انسانی است و از این جهت باید حیات وی را حفظ نمود. (سوهانیان، ۱۳۸۹، ج ۱، ۲۶). در این دیدگاه، کیفیت حیات اصلاً ملاک اهمیت نمی‌باشد.

دو نتیجه از این دیدگاه استنباط می‌شود: اول آن که هیچ ارزشی فوق ارزش حیات وجود ندارد و آن برتر از تمام ارزش‌هاست. و دیگر آنکه تقدس حیات، بدون اعتنا به کیفیت حیات هر شخص، از ارزش واحدی میان تمام افراد جامعه برخوردار است و حیات شخصی نسبت به دیگری ارجحیت ندارد. بنابراین، از آنجا که حیات مادر نسبت به فرزند برتری ندارد، در هیچ یک از مراحل رشد، نمی‌توان آن سلب نموده و استثنا کرد (راسخ، ۱۳۸۲: ۹).

بنابراین نتیجه‌ای که حاصل می‌شود این است که حیات بشری، حقی عام و جهان شمول می‌آفریند که قابل تقلیل دادن به افراد متولد شده و یا مادر و پدر نیست، بلکه ملاک انسان بودن، انعقاد نطفه و آغاز حیات انسانی است.

د: تقدم حق جامعه بر حق فرد

این نظریه بر این مسئله استوار است که عدم جرم‌انگاری سقط جنین و جواز آن به صورت کلی، حقوق جامعه را مورد تعرض قرار می‌دهد و از آنجا که حق جامعه بر حق یک فرد مقدم است، باید با آزادی‌های سقط جنین مخالفت نمود.

طرفداران این دیدگاه بر این باورند که کارکرد مجازات‌ها زمانی است که علاوه بر تعرض به حقوق اشخاص، به حقوق جامعه نیز آسیب وارد شود و به نوعی، مجازات‌ها تنبیه اجتماعی به شمار می‌روند. یعنی نیازمند نوعی جرم‌انگاری رفتارهای غیراخلاقی برای تضمین حق حیات عمومی جامعه و سعادت بشری هستیم (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۴: ۴۸).

علاوه بر این، در خصوص سقط جنین، حتی سوسیالیسم نیز دو حق را معارض هم می‌یابد؛ حق تقدم جامعه بر حقوق فردی و همچنین حق مادر در اسقاط جنین و تسلط بر بدن خویش. از آنجا که جامعه برای حفظ موجودیت و ارزش‌های خود، با جواز سقط جنین مخالف بوده و حفظ حقوق جامعه از اهمیت بیشتری برخوردار است، ناچار باید به ممنوعیت سقط جنین رای داد. گفتنی است که منع و ممنوعیت سقط جنین به حقوق والدین نیز خدشه وارد نمی‌سازد، بلکه به نوعی آن را محدود می‌نماید؛ چرا که والدین در صورتی که مایل به فرزندآوری نباشند، می‌توانند با استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری جلوگیری نمایند. اما پس از بارداری، بر مبنای احترام به حقوق جامعه، دیگر حق اسقاط جنین را نخواهند داشت (محقق داماد، ۱۳۸۴، ۱۶۲)، و همان طور که گفته شد بر مبنای جرم‌انگاری این رفتارهای ضد اخلاقی نیازمند جلوگیری از این رویه‌ها هستیم.

علاوه بر آن، برخی از موافقان این دیدگاه، معتقدند که بقای خانواده که از ارکان اساسی یک جامعه به شمار می‌رود و در پرتوی ایجاد محدودیت و ممنوعیت برای سقط جنین، مورد حمایت واقع می‌شود. از آنجا که اصلی‌ترین هدف مقنن تأمین و حراست از اجتماع و ارزش‌های اجتماعی است، مقنن باید در خصوص آن قانونگذاری و جرم‌انگاری نماید (عباسی، ۱۳۸۲، ۲۱).

مسئله دیگر آن که برخی بر این باورند که اجتماع اصالت داشته و ارزش اشخاص تنها در بستر و در قالب اجتماع تجلی یافته و معنا پیدا می‌کند. بنابراین، به هر وسیله‌ای باید مانع تضييع حقوق اجتماع شد و این مسئله به قوام حقوق فردی نیز کمک خواهد نمود.

در خصوص سقط جنین نیز، با توجه به این دیدگاه می‌توان گفت که مادر به عنوان فردی از اجتماع، با بارداری و تولد طفل خویش، در راستای اعتلای جامعه و حفظ ارزش‌های آن گام برمی‌دارد؛ لذا سقط جنین را که مغایر با چنین ارزشی است و می‌تواند ضربات جبران‌ناپذیری را بر جامعه وارد آورد، باید منع و جرم‌انگاری نمود. (عباسی، ۱۳۸۲، ۲۲).

بنابراین هم حفظ نظام ارزشی خانواده و هم در نظر گرفتن نیازهای جامعه به داشتن جمعیت بیشتر یا جلوگیری از سقط جنین، دلیل دیگری برای حفظ جنین و حراست از آن به مثابه یک انسان واقعی و دارای حق است.

و: نگرش حقوق ایران به حق سقط جنین

به عنوان بررسی پیشینه قانونگذاری در خصوص جرم سقط جنین، گفتنی است که قانون مجازات عمومی پیش از انقلاب، از حقوق فرانسه گرفته شده بود. قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ در مواد ۱۸۱ تا ۱۸۳ خود که به جرم سقط جنین پرداخته بود، برای فرد خاطی چه به صورت مباشرت اقدام به سقط جنین کرده و چه به نحو معاونت، مجازات‌هایی را پیش‌بینی نموده بود.

بهر حال موارد حقوقی به دلیل وضع مقرراتی در حوزه جلوگیری از سقط جنین یا مشخص نمودن موارد مجاز در این زمینه است که در هر صورت نیازمند مداخله مقامات قضایی و پزشکی است (نبوی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۳). در هر صورت ماده ۱۸۱ قانون یاد شده مقرر می‌دارد: «هرکس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط حمل زنی گردد، جزای او از یک تا سه سال حبس جنحه‌ای است و اگر زن حامله را دلالیت به استعمال وسایل مذکوره نماید، جزای او از سه تا شش ماه حبس جنحه‌ای خواهد بود.»

همچنین در ماده ۱۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۰۴ «زنی که عالمأ بدون اجازه طیب، راضی به خوردن ادویه یا ماکولات یا مشروبات یا استعمال وسایل مذکوره شده یا تمکین از استعمال آن وسایل کرده و به این واسطه حمل خود را ساقط کرده باشد» با مجازات حبس جنحه‌ای

از یک تا سه سال مواجه می‌شود و چنانچه اقدام به اسقاط جنین توسط زن به امر همسر خود باشد، زن از مجازات معاف شده و همسر وی به آن مجازات محکوم می‌شود (مهربانی، ۱۳۸۰، ۲۹).
در ماده ۱۸۳ قانون مذکور نیز، بیان شده است که: «طیب یا قابله یا جراح یا دوا فروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا قابلیت جراحی و یا دوا فروشی، وسایل سقط حمل را فراهم آورند. از سه تا ده سال حبس جنایی درجه یک محکوم خواهند شد، مگر اینکه ثابت شود که این اقدام طیب یا قابله یا جراح برای حفظ حیات مادر می‌باشد.»

در سال ۱۳۶۲ که قانون مجازات اسلامی مورد بازنگری و تغییرات قرار گرفت نیز، برخی از مواد قانون قبلی حفظ شد و در موارد ۹۰ و ۹۱ جمع گردید. این مواد عبارتند از: ماده ۹۰: «هرکس زن حامله را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری که موجب سقط حمل می‌گردد بنماید به سه الی شش ماه حبس محکوم خواهد شد». یا در ماده ۹۱: «اگر زن حامله برای سقط جنین به طیب و یا قابله مراجعه کند و طیب هم عالمماً عامداً مباشرت به اسقاط جنین بنماید، دبه جنین به عهده اوست و اگر روح در جنین دیده شده باشد باید قصاص شود و اگر او را به وسایل اسقاط جنین راهنمایی کند به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شود.»

علاوه بر این، در قانون مجازات مصوب ۱۳۷۵ نیز در بخش تعزیرات، مواد ۶۶۲ تا ۶۶۴، به جرم سقط جنین پرداخته که براساس ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در این باره آمده است «هرکس عالمماً و عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود» با مجازات پرداخت دبه و یا قصاص مواجه می‌شود و علاوه بر آن، متناسب با وضعیت ارتکاب جرم، به حبس از یک الی سه سال محکوم می‌شود. همانطور که مشخص است، موضوع این ماده، به افراد غیرمتخصص و اشخاص ثالث اشاره دارد که در طی حادثه‌ای، به صورت عمدی سبب سقط جنین را فراهم آورند. همچنین معمولاً این قسم از جرائم با خشونت همراهند و در ماده ۱۸۰ قانون مجازات عمومی سابق نیز عین متن این ماده مطرح شده بود.

در ماده بعدی قانون مجازات جدید نیز، مقرر داشته است که «هرکس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن گردد به شش ماه تا یک سال حبس محکوم و اگر عالمماً و عامداً زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ جان مادر می‌باشد و در هر مورد حکم به پرداخت دبه مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد» (ماده ۶۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵). این ماده نیز مانند ماده قبل، افراد غیرمتخصصی را مخاطب قرار می‌دهد که با رضایت زن باردار، اسباب سقط جنین را فراهم نموده و به آن اقدام می‌کنند. گفتنی

است که این ماده نیز بسیار به ماده ۱۸۱ قانون مجازات سابق بوده و کمی تغییر در آن ماده طرح شده است (نوذری فردوسی، ۱۳۸۴، ۴۶)

همچنین ماده ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «اگر طبیب یا ماما یا دارو فروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا دارو فروشی اقدام می‌کنند و سایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات صورت خواهد پذیرفت».

این ماده نیز مانند مواد گذشته مؤخوذ از قانون مجازات عمومی سابق بوده و عیناً مشابه ماده ۱۸۳ قانون مذکور است. ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده یا متصدی وسایل موتوری منتهی به قتل غیر عمدی شود مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و پرداخت دیه در صورت مطالبه اولیای دم محکوم خواهد شد». ماده ۷۱۵ قانون مجازات: «هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده ۷۴ موجب مرض جسمی یا دماغی که غیر قابل علاج باشد و یا از بین رفتن یکی از حواس یا از کارافتادن عضوی از اعضای بدن که یکی از وظایق ضروری زندگی را انجام می‌دهد یا تغییر شکل دائمی عضو یا صورت فرد و یا سقط جنین شود مرتکب به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم خواهد شد».

ماده ۷۱۶ قانون مجازات: «هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده ۷۱۴ موجب صدمه بدنی شود که باعث نقصان یا ضعف دائم یکی از منافع یا یکی از اعضای بدن شود یا باعث از بین رفتن قسمتی از عضو مصدوم گردد مرتکب به حبس از دو ماه تا شش ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم خواهد شد».

با در نظر گرفتن موارد یاد شده، روشن می‌شود که قوانین پس از انقلاب بیشتر از فقه متأثر بوده است و بدین ترتیب در مواد ۶۲۲ تا ۶۲۴ و همچنین مواد ۷۱۴ و ۷۱۵ که پیش از این ذکر گردید، مجازات دیه افزوده شده است. (ولیدی، ۱۳۶۵، ۳).

بر این اساس قانونگذار تلاش نموده تا همسو به تغییرات حقوق بشری و اثرگذار بر حقوق جنین به مثابه یک انسان و یا لزوم حمایت از زنانی که به هر دلیلی صاحب فرزند می‌شوند، موارد حقوقی را مطرح کرده و از آن در راستای جرم انگاری سقط جنین بهره ببرد. این بدان معناست که تعیین یک ضابطه یا قانون کلی برای بحث سقط جنین دشوار است، اما آنچه روشن است اینکه ادله حق حیات جنین هم از حیث حمایت از جنین و هم از حیث حمایت از مادران و صاحبان جنین در حال گسترش بوده و البته در قوانین داخلی نیازمند یک قانون جامع و ویژه هستیم.

نتیجه گیری

بر مبنای نتایج پژوهش حاضر از آنجا که «جنین» شخصیتی بالقوه و دارای استعداد، سیر به سوی انسانیت و پیمودن مراحل رشد و تکامل انسانی است، مانند سایر انسانها دارای حقوقی از جمله، حق حیات و حق سلامت است که باید مورد حمایت قرار بگیرد. امروزه اگرچه اقدام به از بین بردن جنین در نظام حقوقی ایران، امری مذموم و مجرمانه تلقی می‌شود، لکن همچنان که خواهیم دید، مسأله‌ی حمایت از جنین، عمدتاً ناظر به حمایت از حق حیات او، از طریق ممنوعیت سقط آن در قوانین مربوطه بوده است.

بنابراین به دلایلی از جمله تقدس حیات، حرمت از بین بردن زندگی برای فرد، حق انتخاب جنین و زندگی وی و همچنین تقدم منافع عمومی بر جمعی، سقط جنین امری نادرست و در تضاد با دستاوردهای ناشی از حقوق بشر و کرامت انسانی هم در اسناد حقوق بشری و هم رویکرد کرامت انسانی در دین اسلام است. این دلایل به منزله پذیرش تغییرات فرهنگی و اجتماعی است که همسو با حمایت از حق جنین به مثابه یک انسان در حال پیشروی است.

بدین ترتیب در حالیکه به نظر می‌رسد فلسفه‌ی وجودی قوانین حامی جنین، نه تنها حمایت از حق حیات یا زنده به دنیا آمدن جنین، بلکه ناظر به حفظ سلامت وی در تمام دوران بارداری مادر و ایجاد شرایط مناسب جهت سالم به دنیا آمدن او به عنوان دومین حق جنین یا کودک تولد نیافته نیز باید باشد.

لذا به منظور اجرای سیاست حقوقی حمایت جامع از جنین، قوانین کیفری باید به گونه‌ای تنظیم شوند که علاوه بر حمایت از حق حیات و زندگی او، هرگونه رفتاری را که به هر نحو، موجب صدمه و آزار نسبت به این موجود آسیب‌پذیر و بی دفاع شده و سلامت روانی و جسمی وی را به خطر می‌اندازد، با پیش‌بینی در قانون مشمول عنوان مجرمانه دانسته و ضمانت اجرای مستقل و مناسبی را برای معترضین به حقوق مذکور، در نظر بگیرند. از جمله این موارد، می‌توان از پیش‌بینی و احصای صریح و شفاف جرایم علیه جنین، الزام والدین به رعایت برخی وظایف و رفتارها جهت حفاظت از سلامت جنین، نظیر مراقبت‌های خاص دوران بارداری و پرهیز از اعمال و رفتارهای ضرر رساننده، همچنین امکان طرح دعوی علیه اشخاصی که موجب نقص مادرزادی طفل شده‌اند و... را نام برد.

در نهایت اینکه تدوین‌کنندگان قانون مجازات اسلامی به پیروی از شیوه فقها و صاحب‌نظران اسلامی که در کتب و آثار خود احکام مربوط به این مسئله را در مبحث «دیات» مورد بحث قرار داده‌اند، مقرات مربوط به این امر را در مواد ۱۹۴ تا ۲۰۰ قانون دیات و نیز در مواد ۹۰ و ۹۱ قانون تعزیرات تنظیم کرده و سقط جنین را از همان مراحل اولیه استقرار از نطفه قابل مجازات دانسته‌اند.

این بدان معناست که حق حیات جنین همسو با تحولات حقوق بشری از یکسو و همچنین تفاسیر مرتبط با آن در فقه اسلامی از سوی دیگر، نوعی سازگاری با تغییرات فرهنگی و اجتماعی است که البته تا زمانی که یک قانون جامع و اختصاصی در این زمینه با حضور کارشناسان حقوقی و پزشکی تشکیل نشود، تغییرات و ملاحظات اجتماعی و حقوق بشری چندان موردنظر نخواهد بود.

منابع:

- حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۹۴)، مرجع احراز موضوع قانون با تاکید بر شرکت در قتل، فصلنامه مطالعات حقوقی، شماره ۱۵، بهار ۱۳۹۴ ش.
- حریری، مهدی، شکرپیگی، علیرضا (۱۴۰۱)، بررسی فرایند سقط جنین در حقوق ایران و فقه امامیه با شمایی در حقوق بین‌الملل، فصلنامه قرآن و طب، دوره هفتم، شماره ۲.
- راسخ، محمد (۱۳۸۲)، جدال حیات: بررسی اجمالی تئوری‌های سقط جنین، فصلنامه باروری و ناباروری، صص ۲۲۰-۲۳۶.
- رزم‌ساز، بابک، ۱۳۷۹، بررسی فقهی حقوقی سقط جنین، تهران، نشر خط سوم
- سوهانیان، فاطمه، ۱۳۸۹، حمایت کیفری از جنین در حقوق ایران، چاپ اول، جلد اول، تهران، انتشارات آذرخش
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۴)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طیبی جلی، مرتضی، ۱۳۸۲، بررسی و نقد نظریه جوار سقط جنین، مجله نامه مفید، شماره ۳۷
- عباسی نژاد، م، ۱۳۸۵، قرآن و طب، مشهد، بنیاد پژوهش‌های قرآن حوزه و دانشگاه
- عباسی، محمود، ۱۳۸۲، سقط جنین، تهران: انتشارات حقوقی.
- علیزاده، عیسی، غریبی، احمد (۱۳۹۷)، مطالعه تطبیقی حق حیات جنین در اسلام و غرب، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۸۳، صص ۳۳۱-۳۰۹.
- کوشا، جعفر، سماواتی پیروز، امیر (۱۳۸۹)، سقط جنین؛ ترجیح حیات مادر یا حیات جنین، فصلنامه حقوق پزشکی، سال چهارم، شماره پانزدهم، صص ۱۱۴-۹۱.
- محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۷۳، تحقیقی در مورد سقط جنین عوارض مسایل و موضوعات پیرامون آن، مجموعه مقالات اخلاق پزشکی، چاپ اول، مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی.
- معینی فر، محدثه (۱۳۹۸)، تراحم حق مادر با حق حیات جنین در نظام‌های حقوقی، فصلنامه اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره ۱۲، صص ۴۳۶-۴۲۳.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۹، بحوث فقیهه هامه (مهمه)، چاپ اول، قم: مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب (علیهما السلام).
- موسوی رکنی، فاطمه‌السادات، موسوی رکنی، محمدهادی (۱۳۹۳)، حق حیات جنین نابهنجار از منظر اخلاق انسانی و منافع عمومی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال هشتم، شماره سی و یکم، صص ۱۱۱-۷۱.
- نبوی‌زاده، لیلا، زارع‌نژاد، محمد، خورسندیان، محمدعلی، نبوی‌زاده، سیدحسام‌الدین، غلامزاده، سعید (۱۳۹۶)، نقدی بر ماده واحده قانون سقط درمانی، مجله تعالی بالینی، دوره هفتم، شماره سوم.
- نوذری فردوسی، محمد (۱۳۸۴)، سقط جنین در حقوق اسلامی و فمینیسم، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۸.
- پایان نامه و رساله**
- جوادی، فضا، ۱۳۹۶، تطبیق قواعد فقهی بر جواز سقط جنین از دیدگاه فریقین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه
- درخشان، مجید، ۱۳۹۲، موجبات جواز سقط جنین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

Unicef. Convention on the Rights of the Child. New York: Unicef; 1989.